

# معرفی کتاب شاهنامه فردوسی

## ویرایش دکتر فریدون جنیدی

علیرضا حیدری / کارشناس زبان و ادبیات عرب / عضو افتخاری بنیاد نیشابور

شاهنامه فردوسی هنگامی نوشته شد که فرهنگ درازآهنگ ایران از دو سوی غرب و شرق، آماج حملات بی‌امان، ایران گرامی را فرا گرفته بود. ضرورت بازخوانی و حفظ روایات ملی بازمانده از دوران باشکوه ایران باستان از همان قرن اولی که ایران فتح شد، در آثار مترجمان ایرانی تازی‌نویس کاملاً مشهود است. فردوسی با سرایش شاهنامه به جهانیان نشان داد که ایرانی، عجم (کور و کر و گنگ و بی‌سواد) و بربر (وحشی و بی‌فرهنگ) نیست؛ نشان داد که راه، یکی است و آن راستی است. او در پهنه زبان فارسی، شاهکاری را به نظم کشید که جدا از ارزش‌های تاریخی، جغرافیایی، باستان‌شناختی و زبان‌شناختی، در اوج زیبایی‌های ادبی و استواری زبان قرار دارد؛ تا جایی که وی را «خداوند سخن» نامیدند و شاهنامه‌اش را «شاه‌نامه»‌های نوشته‌شده به دست بشر دانستند.

در طول این هزارسال که شاهنامه فردوسی پشت سر گذاشته، بیشتر از هر نامه‌ای، تحت تأثیر غرض‌ورزی‌های ارباب قدرت (به ویژه مزدوران دربار غزنوی)، چهل کاتبان و تحریف‌ناسخان قرار گرفته؛ تا جایی که هنوز شاهنامه‌پژوهان بزرگ معتقدند در زمینه تصحیح متنی منقح از شاهنامه، قدم‌های آغازین برداشته شده است. در حدود دو سده پیش، متن بسیار آشفته‌تر از آن بود که بتوان درباره‌اش تحقیق و پژوهشی دقیق انجام داد. در آن زمان نسخه‌ای به همت «ژول مول» فرانسوی در پاریس به چاپ رسید که تقریباً آغاز راه پژوهش‌های جدی در زمینه تصحیح دقیق شاهنامه به شمار می‌رود. مهمترین کار پس از این تصحیح، کار بزرگ ویراستاران شاهنامه چاپ مسکو است که با چاپ بر مبنای اقدم‌نسخ موجود (نسخه لندن مورخ ۶۷۵ ه.ق) و چاپ چند نسخه بدل در زیرنویس متن و اعتنا به شاهنامه «بنداری اصفهانی» (ترجمه عربی از شاهنامه فردوسی در سال ۶۲۱ ه.ق) در تصحیح انتقادی و مقابله توصیفی شاهنامه پیشگام شدند. دکتر «جلال خالقی مطلق» با ادامه راه آنان و بهره‌گیری از ۱۵ نسخه که از دل ۵۰ نسخه خطی برآمده (از جمله نسخه کهن شاهنامه فلورانس نوشته‌شده به سال ۶۱۴ ه.ق که تاکنون کهن‌ترین نسخه خطی ناقص شاهنامه در جهان است) با استفاده از قاعده‌هایی چون «ضبط دشوارتر، بهتر و درست‌تر است»، کار بزرگی را به ایرانیان پیشکش کرد.

دکتر «فریدون جنیدی» شاهنامه‌پژوه و استاد فرهنگ و زبان‌های ایرانی پس از نگارش و چاپ نخستین خودآموز خط و زبان پهلوی به زبان فارسی، نخستین تفسیر شاهنامه بر پایه اوستا، متون پهلوی و دیگر گفتارهای ایرانی و نگارش کتاب‌ها و مقالات متعدد در زمینه ایران‌شناسی (به ویژه پژوهش‌های شاهنامه‌شناختی) در طی پژوهشی سی‌ساله بر پایه دیدگاه‌های تجویزی که توصیف به حد بلوغ رسیده (یعنی مقابله نسخ) را منبع کار خود قرار داده بود، شاهنامه ویراسته خود را چاپ کرد. نسخه منقح شاهنامه نسبت به نسخ تحریف‌شده (که پر از اغلاط مشهود و فاحش زبانی، سبکی و مفهومی است و گاه با سخنانی کاملاً واژگون، سیر منطقی داستان از هم می‌پاشد و بعضاً دارای غلوه‌های ناسازگار با سبک فردوسی و نادرستی‌ها و آشفتگی‌های تاریخی و جغرافیایی بسیار است) کار پژوهشگر را آسان می‌کند که با دست‌یافتن به اطلاعاتی نسبتاً دقیق، شاید بتواند به فهمی نسبی از بلاغت ساختارهای نحوی و زیباشناسی سخن فردوسی دست یابد؛ چراکه به کمک نسخ موجود—که کهن‌ترین نسخه کامل، تقریباً ۳۰۰ سال با زمان پایان سرایش شاهنامه فردوسی فاصله دارد—درک و توصیف کاملاً دقیق شاهنامه فردوسی و اندیشه‌های استاد توس، ناممکن است. شاهنامه فردوسی، ویرایش «فریدون جنیدی» مجموعه‌ای در ۶ دفتر (در قطع رحلی) است؛ یک دفتر آن، ۴۷۸ صفحه پیشگفتار بر ویرایش شاهنامه فردوسی و ۵ دفتر دیگر متن شاهنامه ویراسته فریدون جنیدی است که با بهره‌گیری از ۲۷ نسخه (معیار) انجام شده است. در پانویس هر صفحه، دلایل ویراستار بر افزودگی (الحاقی بودن) هر بیت و توضیح درباره ابیات اصیلی که پیراسته و آراسته شده و یا نیاز به گزارش بیشتر (برای خواننده) دارد، ثبت شده است. روش ویراستار، روشی نو و به تعبیری «ویرایشی ایرانی» است که از دیدگاه علم تصحیح متون، می‌توان آن را «تصحیح التقاطی» دانست. ویراستار با روش‌های ذوقی (استحسانی)، انتقادی و قیاسی هم به کلی بیگانه نبوده و در برخی مواقع (افزون بر سنج‌های ویژه خود برای ویرایش شاهنامه) با بهره‌گیری از سنج‌های مذکور به ویرایش پرداخته است. این ویرایش از سوی نشر «بلخ» (وابسته به بنیاد نیشابور) چاپ و برای نخستین بار در سال ۱۳۸۷ در تیراژ ۳۳۰۰ نسخه عرضه شد. این چاپ از شاهنامه تاکنون تازه‌ترین و آخرین ویرایشی است که در جهان به چاپ رسیده و هم‌زمان با نخستین هزاره شاهنامه فردوسی در اردیبهشت ۱۳۸۸ در دسترس عموم قرار گرفت. امید است که با چاپ این شاهنامه گامی بلندتر برای دریافت و آشنایی بیشتر و بهتر ایرانیان با کارنامه فرهنگ و خردشان برداشته شود.

